

نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی‌های او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد

نویسنده: یاور خراسانی

تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۹

خداوند را شاکریم که در میان مردم، عالمی شایسته قرار داد تا آن‌ها که حق جو هستند، راحت‌تر بتوانند حق را بشناسند. از همه شما هم تشکر می‌کنم که با چاپ و نشر کتاب گرانقدر «هندسه عدالت»، دری دیگر از معرفت را به روی ما گشودید و اما بعد:

۱. برداشت من از اینکه در حکومت انسان کامل همه‌ی استعداد‌های بالقوه مردم به فعلیت می‌رسد این است که به فعلیت رسیدن همه‌ی استعداد‌های بالقوه‌ی مردم با تلاش خودشان امکان‌پذیر می‌شود. لطفاً توضیح بفرمایید.

۲. افرادی هستند که به قدر خود قانع نیستند و افرادی هستند که در مشاغل خلاف قدر خویش مشغولند و این را دوست دارند. با توجه به اینکه انسان کامل قدر هر کس را می‌شناسد و امکان جابجایی دارد، این افراد قهراً به قدر خودشان فرستاده می‌شوند؟ اینجا جبر به وجود نمی‌آید؟ یا اینکه به اندازه‌ای از رشد عقلی می‌رسند که بین حب و بغض‌های خود و قدر خود رابطه‌ای صحیح برقرار می‌کنند؟ یا نه هر فرد آزاد است که به دنبال هدف خود برود حتی اگر با قدرش مخالف است؟

ممنون که مثل همیشه با صبر پاسخگو هستید.

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۷/۸/۳

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

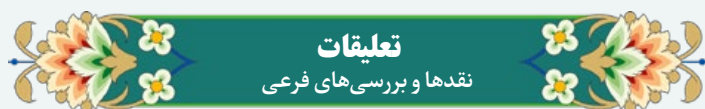
۱. قدر هر کس، چیزی است که خداوند حکیم برای او قرار داده؛ چنانکه فرموده است: ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ «خداوند برای هر چیزی قدری قرار داده» و عاقل کسی است که قدر خود را می‌داند و به آن قانع است و این مبنای «عدالت» محسوب می‌شود؛ چنانکه علامه

منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در نامه‌ی یازدهم فرموده است: «عدل آن است که هر چیز قدر خود را بداند و در جایی که خداوند برای او قرار داده است قرار گیرد و ظلم آن است که چیزی قدر خود را نداند و از جای خود بیرون آید و جای دیگری که خداوند برای او قرار نداده است را بگیرد و فساد فرزند ظلم است». بنابراین، حق هر کس به اندازه‌ی قدر اوست و تکلیف او این است که به قدر خود قانع باشد و در جایی قرار بگیرد که مستحق آن است و به قدر دیگران احترام بگذارد و در جای آنان قرار نگیرد و روشن است که تکلیف جنبه‌ی تشریحی دارد، نه تکوینی و از این رو، جبر محسوب نمی‌شود. با این وصف، می‌توان گفت که در حکومت امام مهدی علیه السلام، مردم مجبور نخواهند بود، بل مختار خواهند بود که به حق خود قانع باشند یا فراتر از آن را بجویند؛ با این تفاوت که اگر به حق خود قانع باشند، امام مهدی علیه السلام آنان را تشویق و حمایت می‌کند و اگر فراتر از آن را بجویند، امام مهدی علیه السلام آنان را تنبیه و مجازات می‌کند و در این صورت، اختیار آنان از بین نخواهد رفت؛ چراکه تنبیه و مجازات ظالم، با اختیار او منافات ندارد، بلکه ناشی از تکلیف و مسؤولیت اوست و این مبنای احکام و قوانین کیفی در شریعت و سیره‌ی عقلا محسوب می‌شود.

۲. تمایل مردم به اشغال مقام و مسؤولیتی که شایستگی آن را ندارند، ناشی از «جهل» یا «طمع» آنان است؛ به این معنا که آنان یا استعداد و توانمندی خود را نمی‌شناسند، یا به حق خود قانع نیستند و در هر دو صورت، نیاز به «تعلیم» و «تربیت» امام مهدی علیه السلام دارند. در صورت اول، امام مهدی علیه السلام آنان را «تعلیم» می‌دهد تا از جهل‌رهایی یابند و استعداد و توانمندی خود را بشناسند و در صورت دوم، امام مهدی علیه السلام آنان را «تربیت» می‌کند تا طمع را کنار بگذارند و به حق خود قانع باشند و انتظار می‌رود که پس از این تعلیم و تربیت او، تمایلی به اشغال مقام و مسؤولیتی که شایستگی آن را ندارند، نداشته باشند و با رضا و رغبت، مقام و مسؤولیتی را بپذیرند که شایستگی آن را دارند. با این حال، اگر کسی تربیت‌پذیر نباشد و همچنان به اشغال مقام و مسؤولیتی که شایستگی آن را ندارد متمایل باشد، در عمل مجال آن را نمی‌یابد؛ چراکه با وجود مقررات و صافی‌های متناسب تحت مدیریت و نظارت امام مهدی علیه السلام، شرایط برای آن مساعد نیست و او ناگزیر به سوی مقام و مسؤولیتی سوق داده می‌شود که شایستگی آن را دارد و آن را اگر چه با ناراحتی و کراهت می‌پذیرد و اگر برای اشغال مقام و مسؤولیتی که شایستگی آن را ندارد، مرتکب تعدی شود، توسط امام مهدی علیه السلام مجازات خواهد شد. بدون این تعلیم و تربیت و سیاست مهدوی، اصلاح جهان ممکن نخواهد بود و ظلم از آن برچیده نخواهد شد؛ زیرا همیشه هستند کسانی که به حق خود قانع نیستند و چیزی را می‌جویند که استحقاق آن را ندارند و اگر امام مهدی علیه السلام با وجود علم خود از خواهش‌های آنان پیروی کند، او آن هنگام از ظالمان و گمراهان خواهد بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾**^۱؛ «و اگر تو پس از علمی که برایت آمد از خواهش‌های آنان پیروی

کنی، تو آن هنگام از ظالمان خواهی بود» و فرموده است: **«قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»**؛ «بگو من از خواهش‌های شما پیروی نمی‌کنم، من آن هنگام گمراه شده‌ام و از هدایت‌یافتگان نیستم».

۳. آرمان امام مهدی علیه السلام این است که هیچ یک از رعیت او از موقعیتی که استحقاقش را دارد بیرون نباشد و این آرمانی است که در حد امکان حاصل می‌شود؛ یعنی در حدی که دنیا با وجود محدودیت‌های ذاتی و طبیعی‌اش، قابلیت آن را دارد و مراد از «عدالت مطلق جهانی» همین است، نه چیزی فراتر از آن تا خیالی و انتزاعی محسوب شود. وانگهی روشن است که این آرمان، به محض حاکمیت امام مهدی علیه السلام حاصل نمی‌شود؛ چراکه حاکمیت او **«كُنْ فَيَكُونُ»** نمی‌کند، بلکه مانند هر حاکمیت دیگری در جهان، به برنامه‌ریزی و تلاش برای رسیدن به آرمان خود می‌پردازد و این می‌تواند زمانی کوتاه یا بلند - بسته به کمیّت و کیفیت حمایت مردم - را در بر بگیرد. بنابراین، توقع مردم از حکومت امام مهدی علیه السلام، باید توقعی منطقی، واقع‌بینانه و توأم با احساس مسؤولیت باشد.



تعلیقات

نقدها و بررسی‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۷/۸/۴

نویسنده: علی‌رضا مبینی

نقد فرعی ۱

با توجه به بخش سوم از پاسخ فوق و همچنین صفحه‌ی ۲۳۲ کتاب «بازگشت به اسلام» که در آن آمده است:

«ظلم مانند طاعون سرایت می‌کند و مانند قارچ تکثیر می‌شود و از یک چیز به دو چیز و از دو چیز به چهار چیز و از چهار چیز به هشت چیز و به همین ترتیب تا همه چیز گسترش می‌یابد و با این وصف، عدالت تنها هنگامی محقق می‌شود که همه‌ی ظلم در زمین از میان برود، نه اینکه تنها بخشی از آن نابود گردد؛ زیرا تا هنگامی که بخشی از ظلم در زمین وجود دارد، به همه‌ی زمین منتشر می‌شود، مانند آتشی کوچک در انبار که به سرعت همه‌ی آن را فرا می‌گیرد».

آیا ممکن است آرمان امام مهدی علیه السلام در مورد همه‌ی رعیت او تحقق نیابد و بعد از برنامه‌ریزی و تلاش باز هم کس یا کسانی در موقعیتی که استحقاق آن را دارند قرار نگیرند و مظلوم باشند؟ آیا این موارد اندک به سایر افراد سرایت می‌کند؟ آیا خداوند با توجه به همین محدودیت‌های ذاتی و طبیعی دنیا، عدالت مطلق را نخواسته است؟ این عدالت مطلق به این معناست که امام مهدی علیه السلام زمینه و بستر عدالت کامل بی هیچ کم و کاست در سراسر جهان را فراهم می‌کند و هر کس باید خودش به موقعیت مناسبش دست یابد؟

پاسخ به نقد فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۷/۸/۷

چنانکه گفته شد، تعلیم و تربیت امام مهدی علیه السلام، زمینه‌ی لازم برای قرار گرفتن هر کس در جای خود را فراهم می‌کند؛ زیرا جهل و طمع مردم که محرک‌های آنان برای اشغال جای دیگران است را درمان می‌فرماید. با این حال، همواره امکان دارد کسانی باشند که تربیت‌پذیر نباشند و به جای خود قناعت نکنند و جای دیگران را بگیرند و این یعنی بقاء ظلم در میان مردم با توجه به محدودیت‌های ذاتی و طبیعی دنیا، ولی امام مهدی علیه السلام همواره ظالمان را مجازات خواهد کرد و آنان را با رغبت یا کراهت به جای خودشان باز خواهد گرداند و این یعنی سلطه و غلبه‌ی عدالت که مانع از گسترش ظلم در جهان خواهد شد؛ زیرا ظلم هنگامی در جهان گسترش خواهد یافت که تحت حاکمیت عدالت، کنترل و مهار نشود؛ «مانند آتشی کوچک در انبار گاه» هرگاه به سرعت خاموش نشود. بنابراین، با توجه به محدودیت‌های ذاتی و طبیعی دنیا، شاید هیچ‌گاه زمانی نرسد که هیچ‌کس به دیگری ظلم نکند، ولی زمانی خواهد رسید که ظلم هیچ‌کس به دیگری بدون مجازات نخواهد ماند و آن زمانی است که می‌توان گفت دنیا از عدالت لبریز شده است.

نقد فرعی ۲

نویسنده: محمد رضا

تاریخ: ۱۴۰۰/۳/۱۹

فرموده‌اید که امام مهدی علیه السلام مردم را تعلیم و تربیت می‌کند و هر کس که هدایت نشد و ظلمی مرتکب شد را نیز به تناسب، مجازات می‌کند، در حالی که امام مهدی علیه السلام یک نفر است و در یک نقطه از کره‌ی زمین قرار می‌گیرد. یاران نزدیکش که ۳۱۳ نفر هستند هم معصوم نیستند و ممکن است که خطا و غفلی بکنند. بنابراین، آیا ممکن نیست که افرادی در جایی از دنیا، فساد را به وجود آورند و رشد دهند، در صورتی که امام مهدی علیه السلام یا یاران نزدیکش از آن اطلاعی نداشته باشند و مجازاتشان نکنند؟ در این صورت عدالت از بین می‌رود.

پاسخ به نقد فرعی ۲

تاریخ: ۱۴۰۰/۳/۲۴

چنین چیزی ممکن نیست؛ چراکه هر چند امام مهدی علیه السلام یک نفر است، ولی خلیفه‌ی خداوند در زمین است و از این رو، خداوند او را «هدایت» و «امداد» می‌کند و هیچ چیز که آگاهی از آن برای تحقق عدالت در جهان ضرورت دارد را از او پنهان نمی‌دارد؛ چنانکه در حکمتی از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است: «إِنَّمَا يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ

لَإِنَّ اللَّهَ يَهْدِيهِ لِلْحَقِّ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ أَمْرِ حَقِيٍّ»^۱: «به او مهدی گفته می‌شود برای اینکه خداوند او را در هر چیزی به حق هدایت می‌کند و او را به امری پنهان هدایت می‌کند» و در حکمتی دیگر از آن جناب آمده است: «وَإِنَّ يَكُنَّ الْحَقُّ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَيَكُنُّ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَهْدِيهِ اللَّهُ إِلَيْهِ، إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۲: «و اگر حق به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی باشد، پس در صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خداوند او را به آن هدایت می‌کند، هرآینه خداوند باریک‌بینی آگاه است». همچنین، یکی از اصحاب او ما را خبر داد، گفت: «قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ أَنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَىٰ خَلِيفَةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ! قَالَ: هُوَ كَذَلِكَ، قُلْتُ: كَيْفَ وَهُمْ مَلِيَارَاتٍ مِنَ النَّاسِ؟! قَالَ: يُجْمَلُهَا اللَّهُ لَهُ إِجْمَالًا»^۳: «به منصور گفتم: آنان می‌گویند که اعمال بندگان بر خلیفه‌ی خداوند در زمین عرضه می‌شود! فرمود: همین طور است، گفتم: چگونه در حالی که آنان میلیاردها نفر هستند؟! فرمود: خداوند آن را برایش خلاصه می‌کند». وانگهی یاران امام مهدی علیه السلام نیز محدود به ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه آنان تنها یاران اصلی او هستند و هر یک در مرحله‌ی قیام، گروهی بزرگ از یاران او را فرماندهی می‌کنند و در مرحله‌ی حاکمیت نیز به مثابه‌ی استان‌داران او هستند که هر یک شهرداران و ده‌دارانی را منصوب و مدیریت می‌کنند و شمار فراوانی از مردم را برای نظارت بر جهان به خدمت می‌گیرند و از همه مهم‌تر، از هدایت و امداد خداوند و امام مهدی علیه السلام برخوردار می‌شوند تا از عهده‌ی وظایف خود برآیند.

با توجه به این نکات، ممکن نیست که کسانی در جایی از جهان، فسادی را به وجود آورند و رشد دهند، ولی از امام مهدی علیه السلام و یارانش پنهان بمانند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی
 بخش بررسی مطالبها



۱. گفتار ۱۲۶، فقره‌ی ۱
۲. گفتار ۱۲۶، فقره‌ی ۲
۳. گفتار ۱۸۴، فقره‌ی ۱

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه یوتیوب پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک سایت پایگاه